

ارتباطات غیر کلامی در گلستان سعدی*

علیرضا محمودی**

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل (نویسنده مسئول)

غلامرضا عبدی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل

چکیده

ارتباط غیر کلامی یکی از راه‌های ایجاد ارتباط در بین ما انسان‌ها است. در این نوع ارتباط، عنصر کلام دخالتی در انتقال پیام ندارد. ارتباط غیر کلامی گاه آن‌چنان مؤثر می‌باشد که حتی نسبت به ارتباط کلامی از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. کاربرد این شیوه از انتقال پیام، در جهت انتقال ارزش‌های اخلاقی و تربیتی، از دیرباز در بین ادیبان ما شناخته شده بوده است. سعدی از جمله ادیبانی است که در کتاب گلستان خود به کاربرد این شیوه عنایت ویژه‌ای داشته است. در این مقاله که با هدف شناخت هر چه بهتر پیوند ارتباطات غیر کلامی و مقوله تعلیم و تربیت در گلستان سعدی، و به روش تحلیلی-توصیفی به رشته تحریر درآمده، تلاش گردیده است تا انواع ارتباطات غیر کلامی در گلستان سعدی مشخص شود. لذا ارتباطات غیر کلامی در این کتاب در هفت مبحث: زبان بدن و رفتار، چهره (گریه، خنده، نگاه، عصبانیت، زیبایی)، صداها، نمادها و نشانه‌ها، طعم‌ها، عطر و بو، و پیام‌های نوشتاری طبقه‌بندی و تحلیل گردید. نتیجه این تحقیق نشان از کاربرد آگاهانه این روش در جهت انتقال پیام‌های اخلاقی و تربیتی در گلستان سعدی دارد.

واژگان کلیدی: ارتباط غیر کلامی، ادبیات تعلیمی، گلستان سعدی.

* تاریخ وصول: ۹۵/۳/۲۵ تأیید نهایی: ۹۶/۴/۲۰

** E-mail: mahmoodi2009@gmail.com

۱- مقدمه

سخن گفتن و کلام از راه‌های اصلی ایجاد ارتباط میان ما انسان‌هاست. چه بسا در طول روز موارد فراوانی پیش می‌آید که ما از راه‌هایی غیر از کلام و سخن برای ارتباط برقرار کردن استفاده کرده، راه ارتباط غیرکلامی را برای انتقال پیام برمی‌گزینیم. مثلاً اگر امکان سخن گفتن با دوستی که در نزدیکی مان است، برایمان فراهم نباشد، به یکدیگر لبخند زده، دست تکان می‌دهیم. با این روش با پیام گیرنده ارتباط غیرکلامی برقرار کرده، پیام دوستی و محبت خود را بی‌آن‌که سخنی در میان باشد، به همدیگر انتقال می‌دهیم. به چنین روشی در انتقال پیام، روش «ارتباط غیرکلامی» گفته می‌شود. پیام غیرکلامی، پیامی است که خارج از حوزه بیان و کلام، قابلیت ارسال و دریافت دارد. «ارتباطات غیرکلامی عبارت است از: پیام‌های آوایی و غیرآوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبانشناسی ارسال و تشریح شده است» (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۲۲).

ادبا و نویسندگان ما در راه انتقال مفاهیم و معانی مورد نظر خود که چه بسا تعلیمی بوده‌اند، از شیوه ارتباط غیرکلامی بهره فراوانی برده‌اند. سعدی شیرازی، نیز از کاربرد این شیوه در آثار خود بدور نبوده است. وی در کتاب *گلستان* خود که از جمله زیباترین آثار تعلیمی ادب فارسی است، از شیوه ارتباط غیرکلامی بهره برده است. در این پژوهش که با هدف شناخت هر چه بهتر ویژگی‌های متون ادبی فارسی صورت گرفته، با فرض بر این‌که سعدی در انتقال مطالب خود از شیوه ارتباط غیرکلامی استفاده کرده است، تلاش گردیده تا به شیوه توصیفی - تحلیلی بدین سؤال اصلی پاسخ داده شود که: انواع روش‌های ارتباط غیر کلامی در *گلستان* سعدی کدام است؟

بدین منظور کتاب *گلستان* سعدی (۱۳۷۳) به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، مورد بررسی قرار گرفت و انواع روش‌های ارتباط غیرکلامی در این اثر استخراج گردیده و در هفت بخش: زبان بدن و رفتار، چهره (گریه، خنده، نگاه، عصبانیت، زیبایی)، صداها، نمادها و نشانه‌ها، طعم‌ها، عطر و بو، و پیام‌های نوشتاری طبقه‌بندی و تحلیل گردید.

نتیجه این تحقیق نشان از کاربرد آگاهانه این روش در جهت انتقال پیام‌های اخلاقی و تربیتی در *گلستان* سعدی دارد. همچنین مشخص گردید که عملگرایی و مطابقت گفتار و رفتار که در این مقاله از آن به عنوان «ارتباطات غیرکلامی» یاد می‌شود، می‌تواند به عنوان یک اصل تربیتی در رسیدن به نتایج مطلوب در کار تعلیم و تربیت مؤثر و واقع شود.

پیشینه تحقیق

در باره ارتباطات غیرکلامی در *گلستان* سعدی، تحقیق مستقلی مشاهده نشد. اما نیکدار اصل و احمدیانی‌پی (۱۳۹۵)، در مقاله: «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی» به تحقیق در این رابطه در بوستان سعدی پرداخته‌اند. آنان در این تحقیق، پس از بررسی انواع ارتباطات غیرکلامی در

بوستان سعدی، دریافته‌اند که سعدی در ارتباطات غیرکلامی به انواع زبان‌های بدن، کارکردهای زبان اشیاء، و عناصر پیرا زبان هم‌چون: لحن و ضریب سخن‌گویی به خوبی توجه داشته، با آگاهی از این‌گونه ارتباطات و پیوند آن‌ها با کلام، بر رسایی بیشتر معنی در فضای نمایشی شعر خود افزوده است.

همچنین دانشگر (۱۳۸۶)، در مقاله: «نقش ارتباطات غیرکلامی در داستان‌پردازی مولانا»، فرهنگی و فرجی (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) در مقاله: «زبان بدن از نگاه مولانا در مثنوی معنوی»، رضی و حاجتی (۱۳۹۰ الف)، در مقاله: «رمزگشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس»، و باز هم رضی و حاجتی (۱۳۹۰ ب)، در مقاله: «تحلیل نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی در داستان دو دوست»، باقری خلیلی و زلیکانی (۱۳۹۴) در مقاله: «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی»، به بررسی ارتباطات غیرکلامی در آثار یاد شده پرداخته‌اند. از دیگر تحقیقات انجام شده در این مورد می‌توان به پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد: حاجتی (۱۳۸۹)، با عنوان: «تحلیلی ارتباطات غیرکلامی در داستان‌های مصطفی مستور»، جمشیدی (۱۳۹۱)، با عنوان: «بررسی و تحلیل رفتارهای غیرکلامی در آثار داستانی هوشنگ گلشیری»، و جعفری (۱۳۹۲)، تحت عنوان: «تحلیل ارتباط غیرکلامی در داستان سمک عیار»، اشاره کرد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که درباره مقوله ارتباطات غیرکلامی در گلستان سعدی تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده، با عنایت به جایگاه سعدی در ادب تعلیمی، انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

۲- اهمیت و جایگاه پیام‌های غیر کلامی

زندگی اجتماعی ما انسان‌ها، محلی برای پیدایش انواع تعاملات اجتماعی و ارتباطات در بین افراد است. به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی، این افراد که عقاید گوناگونی نیز دارند، لازم است که بتوانند اندیشه‌های خود را با دیگران مبادله کرده یا به عبارت دیگر، به نحو معنی‌داری، با همدیگر ارتباط برقرار سازند. افراد در تعامل اجتماعی خود بیش از آن که از کلمات در فرایند ارتباط و پیام-رسانی بهره‌گیرند، از ارتباطات غیرکلامی و پیرا کلامی بهره می‌برند. به بیانی دیگر، عمل برقراری ارتباط در بردارنده ارتباط کلامی، غیرکلامی، و پیرا زبانی است که محتوای پیام را با گزینش و آرایش کلمات انتقال می‌دهد. برای آن‌که ارتباط به نحو مؤثری برقرار شود، افراد باید بتوانند از سه حیطة فوق برای انتقال صریح و روشن پیام خود به دیگران استفاده کنند، ضمن این‌که بتوانند پیام‌های ارسالی را به‌طور دقیق دریافت و درک کنند (Windle & Warren, 2011: 2).

دانش ارتباط غیرکلامی، فرایندی است که ارسال و دریافت پیام‌های بی‌کلام را شامل می‌شود. این ارتباط بی‌کلام که شامل: حالت چهره (facial expressions)، ایما و اشاره‌ها (gestures)، تماس

چشمی (eye contact)، اطوار (posture)، و حتی طنین صدا می‌شود، بخش حیاتی فرایند ارتباط دانسته شده است (Segal, 2011: 1).

دانش ارتباط غیر کلامی، به افراد کمک می‌کند تا در ارسال، دریافت، خواندن و تفسیر پیام‌های غیر-کلامی توانمند شوند. آگاهی نداشتن از دانش ارتباط غیر کلامی سبب می‌گردد تا فرد نتواند پیام‌های دیگران را به خوبی دریافت کند و پیام‌های مناسب و مطلوب به دیگران بفرستد. برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که پیام‌های غیر کلامی صرفاً شقوق دیگر استفاده از زبان نیستند، بلکه به منزله نظامی ارتباطی، در مقایسه با زبان، خصوصیات بسیار متفاوتی دارند (فرگاس، ۱۳۷۹: ۱۷۲). رمزگشایی و واکنش به پیام‌های غیر کلامی در مقایسه با واکنش به پیام‌های کلامی بسیار سریع‌تر و خودکارتر است؛ مثلاً، حالات چهره افراد، تنوعی از حالات عاطفی و شناختی افراد را نشان می‌دهد. بدین لحاظ، هنگامی که افراد به تعامل اجتماعی می‌پردازند، تعداد بیشماری علائم غیر کلامی رد و بدل می‌شود.

چنان که گفته شد، انتقال پیام در بین ما انسان‌ها به‌طور معمول از طریق ارتباط و پیام صورت می‌گیرد. پیام، «هر چیزی است که بین فرستنده و گیرنده رد و بدل می‌شود و فرستنده و گیرنده در آن اشتراک دارند. پیام ممکن است یک متن، یک علامت، یک تصویر یا یک اندیشه باشد» (بهرامی‌کمیل، ۱۳۸۸: ۱۹). ارتباط غیر کلامی که می‌توان آن را زبان رفتار، زبان حال، احساس، عواطف و هیجانات نیز نامید، «شامل تمامی جنبه‌های ارتباط بجز کلمات می‌باشد» (وود، ۱۳۸۴: ۲۸۴). در ارتباط غیر کلامی همه اعمال ما نوعی ارتباط است. ما با زبان بدن می‌توانیم دیگران را به ارتباط با خود تشویق یا دلسرد نماییم (کول، ۱۳۸۳: ۸۳). بعضی از محققان نقش پیام‌های غیر کلامی را در فرایند ارتباط، بیشتر از پیام‌های کلامی می‌دانند. آنان می‌گویند که تنها ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده آن در زمره غیر کلامی است (فرهنگی، ۱۳۷۳: ۲۷۲).

در اهمیت ارتباط غیر کلامی همین نکته بس است که «همه محققان متفق القول هستند که هم کودکان و هم بزرگسالان در مراودات اجتماعی بیشتر به نشانه‌های غیر کلامی اعتماد می‌کنند تا بر نشانه‌های کلامی» (برکو و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱۹). پنهان و آشکار کردن نشانه‌های غیر کلامی، بسیار دشوارتر از پنهان نمودن نشانه‌های کلامی است. نشانه‌های غیر کلامی گاه آن قدر می‌توانند قوی باشند که حتی پیام‌های کلامی را تحت نفوذ خود قرار دهند. پیام‌های غیر کلامی در مقایسه با پیام‌های کلامی، معمولاً بسیار سریع‌تر ارسال و دریافت می‌شوند (دانشگر، ۱۳۸۶: ۱۲۱-۱۲۲). برای ارتباطات غیر کلامی در ارتباط با «پیام‌های کلامی»، کارکردهایی بر شمرده شده که عبارتند از: تکمیل، تکذیب، تکرار، کنترل، جان‌بینی، و تأکید (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵).

گلستان سعدی از جمله آثار مهم ادبیات تعلیمی زبان فارسی است که همواره مورد اقبال عموم افراد جامعه در ادوار زمانی مختلف بوده است. «منظور از ادبیات تعلیمی، ادبیاتی است که نیکبختی

انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و هم خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند» (مشرف، ۱۳۸۹: ۹). در این مقاله، که به روش توصیفی و تحلیلی نگارش یافته است، اعتقاد بر آن است که سعدی در *گلستان*، از قدرت تأثیر پیام‌های غیرکلامی به‌ویژه در حوزه تربیت آگاهی داشته، در زمینه مسایل تربیتی، صدای رفتار را که زبانی ناملفوظ و غیرکلامی است، بلندتر و مؤثرتر از صدای گفتار دانسته است. عملگرایی و مطابقت گفتار و رفتار که در این مقاله از آن به عنوان ارتباطات غیرکلامی یاد می‌شود، می‌تواند به عنوان یک اصل تربیتی در رسیدن به نتایج مطلوب در کار تعلیم و تربیت مؤثر و واقع شود. با ذکر این مقدمه مقوله ارتباطات غیرکلامی را در *گلستان سعدی* می‌توان در موارد ذیل بررسی نمود:

۲-۱- زبان بدن و رفتار

در *گلستان سعدی* حکایت‌ها به گونه‌ای روایت شده که هم در بردارنده ارتباطات کلامی و هم ارتباطات غیرکلامی است. در هم آمیختن این دو عنصر ارتباطی، از یک سو باعث تأثیرگذاری بیشتر مطلب شده، از دیگر سو موجب می‌شود تا ذهن مخاطب ارتباط بیشتری با داستان پیدا کرده و به دنبال کردن ادامه داستان ترغیب شود. در ارتباط غیرکلامی «آنچه را که راوی روایت می‌کند، بیانی از کنش‌های غیرکلامی شخصیت‌هاست و آنچه را که به نقل از شخصیت‌ها روایت می‌کند، کنش کلامی آن‌هاست» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۸).

در ادبیات تعلیمی فارسی، آثار متأثر از قرآن، حدیث و منابع اسلامی دیگر چون *نهج البلاغه* بسیار مهم و برجسته می‌باشند (مشرف، ۱۳۸۹: ۱۳). *گلستان سعدی* نیز جزو برجسته‌ترین آثار ادبی تعلیمی است که تأثیر گرفته از قرآن مجید و منابع اسلامی است. از آنجایی که در قرآن و احادیث، بر تربیت به شیوه غیرکلامی و رفتاری تأکید شده است، «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون» (صف: ۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید»، سعدی نیز در *گلستان* با تاسی از قرآن و حدیث، بر این روش تربیتی تأکید دارد و خود نیز با بکارگیری ارتباطات غیرکلامی تلاش نموده تا بر جذابیت و اثرگذاری پیام‌هایش بیفزاید. به عنوان مثال سعدی، در حکایت سی و هفتم از باب دوم، بر این پیام تأکید ورزیده و بخشی از آیه قرآن (بقره: ۴۴) را در کلامش درج نموده است:

«فقیهی پدر را گفت: هیچ از [این] سخنان [رنگین دلاویز] متکلمان در من اثر نمی‌کند. سبب آن - که نمی‌بینم از ایشان کردار [ای] موافق گفتار. ترک دنیا به مردم آموزند/ خویشتن سیم و غله اندوزند. [عالمی را که گفت باشد و بس/ هرچه گوید نگیرد اندر کس. عالم آن کس بود که بد نکند/ نه بگوید به خلق و خود نکند. *اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم؟*» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۰۳).

این مطالب بیانگر این است که سعدی در امر تربیت به عمل‌گرایی و پرهیز از روش زبانی و گفتاری محض معتقد است و اشاره به کسانی دارد که دیگران را به کار نیک فرمان می‌دهند و خود را فراموش می‌کنند، یعنی گفتارشان با کردارشان مطابقت ندارد و به همین دلیل سخنشان نیز اثرگذار نیست. باور سعدی به تأثیر عمل و رفتار تا آن‌جاست که حتی در صورت داشتن بصیرت، می‌توان از رفتار زشت دیگران نیز، ادب و تربیت آموخت. در این مورد به مطلبی از گلستان اشاره می‌شود که امروزه بصورت ضرب‌المثل در میان مردم رایج شده است:

«لقمان راگفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان. هرچه از ایشان در نظرم ناپسند آمدی، از فعل آن احتراز کردم» (همان: ۹۵).

همچنین در حکایت ششم از باب دوم گلستان چنین می‌خوانیم که:

«زاهدی مهمان پادشاهی بود. چون به طعام بنشستند کم (تر) از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند، بیش از آن کرد که عادت او بود تا ظن صلاح در حق او زیادت کنند» (همان: ۸۸).

در این مثال، زاهد دو رفتار از خود نشان داده است: اول این که کمتر از آنچه ارادت او بوده است، غذا خورده و دوم این که بیش از آنچه عادت او بوده، نماز گزارده است. این دو رفتار را می‌توان در راستای انتقال پیام‌های غیرکلامی دانست که زاهد برای این که پادشاه و حاضران، به قول سعدی، ظن صلاح در حق او زیادت کنند، از خود بروز داده است.

در بخش ویژگی‌های پیام‌های غیرکلامی به این مطلب که مردم به نشانه‌های غیرکلامی بیشتر اعتماد می‌کنند، اشاره گردید. رفتار انسان، از نشانه‌هایی است که به دلیل در بر داشتن پیام، مردم آن را بیشتر از بیان و سخن مورد توجه و ارزیابی قرار می‌دهند. از این‌جاست که سعدی مردم را از همنشین شدن با بدان برحذر می‌دارد و چنین استدلال می‌کند که:

«هرکه با بدان نشیند اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند، به فعل ایشان متهم گردد تا اگر به خراباتی رود به نماز کردن، منسوب شود به خمرخوردن» (همان: ۱۸۵).

در این نمونه، دو پیام غیرکلامی دیده می‌شود که مردم آن را دریافت می‌کنند و بر اساس آن قضاوت می‌نمایند: اول، همنشینی با بدان و دوم، ورود به خرابات. هر کس که این دو رفتار را از خود نشان دهد، هرچند انسان نیکویی باشد، مردم در باره او قضاوت منفی خواهند کرد. زیرا این رفتارها در بردارنده پیام‌های غیرکلامی منفی است.

سعدی تأکید دارد که رفتار بزرگان و شاهان بر رفتار زبردستان تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل شاهان را از انجام کارهای خلاف هر چند کوچک و جزئی منع می‌کند اگر چه در حد خوردن یک سیب از باغ رعیت باشد. در حکایت نوزدهم باب اول گلستان چنین می‌خوانیم:

«اگر زباغ رعیت ملک خورد سیبی / برآوردند غلامان او درخت از بیخ. به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد / زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ» (سعدی، ۱۳۷۳: ۷۴).

در این ابیات پادشاه دستور نداده است که غلامان درخت را از بیخ بکنند یا هزار مرغ از اموال رعیت را به سیخ بزنند، ولی آن چه باعث این کار می‌شود، رفتار پادشاه است. پادشاه با انجام تخلف هر چند ناچیز، به صورت غیرکلامی، این مجوز را به اطرافیانش می‌دهد تا بی حد و اندازه به اموال رعیت دست‌اندازی کنند و سعدی، این را نتیجه اثرگذاری رفتار شاه بر زیردستانش می‌داند و شاه را از انجام آن برحذر می‌دارد. در *گلستان سعدی*، این گونه موارد از پیام‌های غیرکلامی، نشان دهنده تأثیرگذاری رفتار انسان بر اطرافیانش می‌باشد و جنبه اخلاقی و تربیتی دارد. در *گلستان*، نمونه‌های دیگری از رفتارهای غیرکلامی نیز وجود دارد که بیانگر تعامل یا کسب اطلاع از طریق پیام غیرکلامی است. به عنوان مثال، در حکایت سوم از باب اول، چنین می‌خوانیم:

«ملک‌زاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر و دیگر برادرانش بلند و خوبروی. باری پدر به کراهیت و استحقار در وی نظر همی کرد. پسر به فراست و استبصار بجای آورد و گفت: ای پدر، کوتاه خردمند به از نادان بلند» (همان: ۵۹).

در این نمونه، کوتاه قد بودن پسر، باعث نگاه تحقیرآمیز پدر به او گردیده، پسر با فراست این استحقار را از نگاه پدر دریافت می‌کند. تا این جا هیچ مکالمه‌ای میان پدر و پسر، صورت نگرفته است و آن چه هست، پیام غیرکلامی است که میان پدر و پسر برقرار می‌گردد. بعد از آن که پسر نگاه تحقیرآمیز پدر را به فراست در می‌یابد، پدر را مورد خطاب قرار داده، سعی می‌کند نظر پدر را در مورد خود تغییر دهد. در این حکایت، آن‌گاه که پسر، لیاقت خود را ثابت کرد:

«ملک سر و چشمش ببوسید و در کنار گرفت و هر روز نظر بیش کرد تا ولی عهد خویش کرد. برادران حسد بردند و زهر در طعامش کردند. خواهرش از غرفه بدید، دریچه بر هم زد. پسر دریافت و دست از طعام بازکشید و گفت: محال است که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان بگیرند» (همان: ۶۰).

سر و چشم بوسیدن، در کنار گرفتن و هر روز نظر بیش کردن، رفتارهایی هستند که در بر دارنده پیام‌های غیرکلامی بوده و نیز جنبه تعاملی دارند. دیدن صحنه زهر در طعام کردن توسط برادران، برای خواهر، پیامی غیرکلامی است و این که خواهر، دریچه را بر هم می‌زند و برادر، از جریان آگاه می‌شود، پیامی غیرکلامی است که جنبه تعاملی دارد. بیشترین موارد پیام‌های غیرکلامی در *گلستان*، پیام‌های غیرکلامی رفتاری است، چه از نوع اطلاعاتی و چه از نوع تعاملی. سعدی، ارتباطات غیرکلامی را در جهت انتقال پیام‌های تربیتی به کار گرفته است.^(۱)

۲-۲- چهره

هرچند پیام‌هایی که از طریق چهره انسان منتقل می‌شوند، می‌توانند نوعی رفتار به حساب آیند، ولی با توجه به این‌که چهره انسان، عنصری تأثیرگذار و چند وجهی در برقراری ارتباط به روش غیرکلامی است، به‌طور مجزا بدان پرداخته می‌شود. چهره به عنوان یکی از عناصر برقرارکننده ارتباط به‌صورت غیرکلامی، دارای اهمیت است و چه به‌صورت تعاملی و چه به‌صورت اطلاعاتی، در رفتار دریافت‌کننده پیام، اثر گذار می‌باشد. چهره انسان همانند آینه‌ای درخشان است که ویژگی‌های پنهان و آشکار آدمی را افشا می‌سازد. در *گلستان سعدی* کارکردهای چهره به عنوان انتقال‌دهنده پیام‌های غیرکلامی، حالاتی مثل: عصبانیت و ترش‌رویی، گریه، خنده، نگاه و زیبایی را در بر می‌گیرد که در ادامه به بررسی این کارکردها پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱- عصبانیت و ترش‌رویی

ابروان گره‌خورده و چهره درهم در سیمای انسان، در بر دارنده پیام خشم و ناراحتی است. این پیام، بدون کلام و سریع منتقل می‌شود و موجب واکنش می‌گردد. سعدی در حکایت دوازدهم از باب *سوم گلستان* این مطلب را به زیبایی بیان کرده است:

«درویشی را ضرورتی پیش آمد. کسی گفت: فلان نعمتی وافر دارد اگر برحاجت تو واقف شود، در قضا ای [آن توقف روا ندارند. گفت: من او را ندانم. گفت: منت رهبری کنم. دستش گرفت و به منزل آن کس درآورد. یکی را دید لب فرو هشته و ابرو درهم کشیده او تند نشسته]. برگشت و سخن نگفت. پرسیدندش: چه کردی؟ گفت: عطای او به لقای او بخشیدم» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۱۳).

سعدی در این حکایت اهمیت چهره را به عنوان عاملی که می‌تواند در روابط میان انسان‌ها تأثیرگذار باشد، بیان می‌کند. درویش با دیدن چهره درهم و عبوس صاحب نعمت، به صورت غیرکلامی درمی‌یابد که بهتر است چیزی طلب نکند و عطایش را به لقایش ببخشد. درحالی که هیچ مکالمه‌ای میان درویش و صاحب نعمت برقرار نمی‌شود بلکه آن‌چه است، پیام غیرکلامی است. یا در جایی دیگر آمده است:

«ملک روی از این سخن در هم کشید و او را زجر فرمود» (همان: ۷۳).

عصبانیت و ناراحتی پادشاه از درهم شدن چهره‌اش معلوم می‌شود. به عبارت دیگر درهم کشیدن چهره، پیامی است غیرکلامی، که از آن عصبانیت دریافت می‌شود. شواهدی دیگری از پیام‌های غیرکلامی چهره درهم و عصبانی را نیز در *گلستان* می‌توان یافت.^(۲)

۲-۲-۲- زیبایی

زیبایی و خوب صورتی از کارکردهای دیگر چهره است که در بردارنده پیام مثبت و تأثیرگذار است. در تعریف زیبایی آمده: «زیبایی عبارت است از جور آمدن و هماهنگی اعضای متشکله هر کیفیت یا هر شیء یا هر جسم، با داشتن سازش با پیرامون و ایجاد تأثیر جاذب و ستایش‌آور در انسان» (دانشور، ۱۳۷۵: ۱۳۵). به‌طور کلی، زیبایی برانگیزاننده عواطف عالی انسان است. سعدی در گلستان از چهره زیبا و قدرت تأثیرگذاری آن سخن به میان آورده است:

«حکما گفته‌اند: اندکی جمال به از بسیاری مال [و گویند]: روی زیبا مرهم دل [های] خسته است [و کلید درهای بسته]» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۲۱).

و نیز در جایی دیگر می‌گوید:

«کاش کانان که عیب من جستند/ رویت، ای دلستان بدیدندی. تا بجای ترنج در نظرت/ بی‌خبر دست‌ها بریدندی» (همان: ۱۴۴).

سعدی در این ابیات به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره دارد. زیبایی شگفت‌انگیز یوسف به‌صورت پیامی غیرکلامی، به زنان مصر انتقال یافت و تأثیر آن باعث گردید تا زنان مصر، شیفته زیبایی یوسف گشته، در حالت شیدایی و بی‌خبری به جای میوه، انگشتان خود را ببرند. مقوله زیبایی، در گلستان، از یک سو نشانگر تأثیر آن بر عواطف انسانی است و از سوی دیگر، تحسین انسان نسبت به زیبایی را بیان می‌کند:

«طاووس را به نقش و نگاری که هست خلق/ تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش» (همان: ۸۹).

زیبایی، با بینایی سر و کار دارد و ارتباط انسان با زیبایی، به‌صورت غیرکلامی است. شواهدی دیگری از پیام‌های غیرکلامی مربوط به زیبایی را نیز در گلستان می‌توان یافت.^(۳)

۲-۲-۳- گریه

گریستن از کارکردهای چهره است که بیانگر حس اندوه و ناامیدی است. البته گریه، بیانگر حس شوق و غرور نیز می‌باشد. «اشک‌ها الگوهای منحصر به فردی از ارتباط را دارا هستند. زبان‌شناسان فرهنگی، گریستن را نوعی سیستم فرا زبان می‌دانند که آگاهانه یا بطور ناخودگانه، در حمایت از انفعال کلامی بروز می‌کند» (کاتلر، ۱۳۸۰: ۴۸۰). سعدی در جهت بیان نکات پندآمیز خود در حکایت ششم از باب ششم گلستان چنین آورده است:

«وقتی به جهل جوانی بانگ بر مادر زدم، دل‌آزرده به کنجی نشست و گریان همی‌گفت: مگر خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۵۲).

در این حکایت، مادر، آزرده به کنجی می‌نشیند و گریه‌کنان پسرش را مورد خطاب قرار می‌دهد. یا در جایی دیگر سعدی آورده است:

«یکی از وزرا پیش ذوالنون مصری آمد و همت خواست که روز و شب به خدمت سلطان مشغولم و به خیرش امیدوار و از عقوبتش ترسان. ذوالنون بگریست [او] گفت: اگر من خدای را چنان پرستیدی که تو سلطان را، از جمله صدیقان بودمی» (همان: ۸۰).

گریهٔ مادر در حکایت قبل و گریه ذوالنون در این حکایت، در حمایت از انفعال کلامی بروز کرده و تأثیرگذاری گفتار را افزایش داده است. نمونه‌های دیگری از این موارد در گلستان سعدی یافت می‌شود^(۴)

۲-۲-۴- خنده

خنده از مهمترین ابزارهای ارتباط غیر کلامی است. نمونه‌های یافت شدهٔ رفتار غیر کلامی خنده و لبخند در گلستان، در مفهوم تأیید، مخالفت، طعنه، تمسخر، شادی و ناامیدی می‌باشد که به بررسی آن پرداخته می‌شود:

- در تأیید: در حکایت دهم از باب چهارم گلستان، خندهٔ امیر دزدان در پاسخ شاعر، که گفت: «سگ را گشاده‌اند و سنگ را بسته» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۳۰)، خنده‌ای است که نشانهٔ تأیید و همراهی با سخن شاعر می‌باشد. شواهدی دیگری از پیام‌های غیر کلامی مربوط به خندهٔ تأییدی را نیز در گلستان می‌توان یافت.^(۵)

- در ناامیدی: در حکایت بیست دوم از باب اول خندهٔ پسر از سر ناامیدی است:

«پسر سر سوی آسمان کرد و [تبسم کرد. ملک پرسید که در این حالت چه جای خندیدن است؟] گفت: ناز فرزندان بر پدر و مادر باشد و حکومت بر قاضی برند و داد از پادشاه خواهند. اکنون پدر و مادر به علت حطام دنیا مرا به خون در سپردند و قاضی [به کشتنم] فتوی داد و [پاد] شاه راضی شد به ریختن خونم. در این حال جز خدای پناه نیست» (همان: ۷۵ و ۷۶).

- در شادی: در حکایت چهارم از باب هفتم، معلم سخت‌گیری توصیف می‌شود که:

«جمعی پسران پاکیزه و دختران دوشیزه به دست جفای او گرفتار. نه زهرهٔ خنده و نه یاری گفتار» (همان: ۱۵۵).

منظور از «خنده» در این عبارت، خندهٔ شادی است. نمونه‌های دیگر: (همان: ۱۱۳/۱، ۱۴۰/۲۰، ۱۵۲/۳، ۱۵۲/۴).

- **در مخالفت:** در ادامه حکایت فوق، مردم تصمیم می‌گیرند، جای معلم بد اخلاق را با معلم خوش-اخلاق عوض کنند و این کار باعث می‌شود تا دانش‌آموزان، درس و مشق را فراموش کنند و به همین دلیل، مردم دوباره همان معلم اول را برمی‌گردانند. راوی با دیدن این کار تعجب می‌کند:

«که دگر [باره] ابلیس را معلم ملایکه چرا کردند؟ پیرمردی ظریف جهان‌دیده بشنید و بخندید و گفت: پادشاهی پسر به مکتب داد/ لوح سیمینش بر کنار نهاد. بر سر لوح او نبشته به زرا/ جور استاد به زمهر پدر» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

خنده پیرمرد ظریف جهان‌دیده، نشان از مخالفت با نظر راوی دارد که تعجب کرده و پرسیده بود که چرا دوباره معلم بد اخلاق را برگردانده‌اند. شواهد دیگر: (همان: ۶۲، ۱۵۰، ۱۵۶).

- **در طعنه و تمسخر:** خنده در این عبارت *گلستان* در بر دارنده مفهوم طعنه و تمسخر است:

«باز از شماتت اعدا می‌اندیشم که به طعنه در قفای من بخندند و سعی مرا در حق عیال به عدم مروت حمل کنند» (همان: ۷۰).

نمونه‌های دیگر: (همان: ۷۰/۴، ۹۴/۲۴، ۱۲۲/۲۷، ۱۳۶/۳، ۱۶۶/۲۵، ۱۷۵/۱۲).

۲-۲-۵- نگاه

چشم در چهره انسان، عنصر مهمی است که می‌تواند پیام‌های مختلفی را به صورت غیرکلامی انتقال دهد. سعدی در *گلستان*، در ذکر احوال خود، به پیام‌هایی که به وسیله نگاه منتقل می‌شود، اشاره کرده است:

«چندان که نشاط ملاعبت کرد و بساط مداعبت گسترد، جوابش نگفتم و سر از زانوی تعبد بر نگرفتم. رنجیده نگه کرد» (سعدی، ۱۳۷۳: ۵۳).

در این نمونه، رنجیدن پیامی است که از طریق نگاه به صورت غیرکلامی منتقل شده است. در جایی دیگر از *گلستان* آمده:

«باری پدر به کراهیت و استحقار در وی نظر همی کرد» (همان: ۵۹).

در این مثال، نگاه، در بردارنده معنای تحقیر می‌باشد. به عبارت دیگر، پیامی که از این نوع نگاه به صورت غیرکلامی دریافت می‌شود، حقارت است. نمونه‌های دیگر از این موارد در *گلستان*: (همان: ۱۰۷/۷، ۱۰۹/۱۰، ۱۰۴/۲۲، ۱۶۴/۱۲).

۲-۳- اصوات

اصوات نیز گاه به خودی خود، پیام غیرکلامی محسوب می‌شوند. «نمادها و نشانه‌های شنیداری از طریق اندام حس گوش و نظام شنوایی دریافت می‌شوند. این صداها با تجربیات شخصی و پیشینه-

های ذهن در آمیخته می‌شوند و معنای ویژه‌ای را تولید می‌کنند» (کریمی، ۱۳۸۰: ۶۳). به عنوان مثال صدای جغد فضای ویرانی و شومی، و صدای کلاغ نشانه بد یمنی و بدخبری را تداعی می‌کند. صدای تیک‌تیک ساعت، نشان از گذر عمر و گذشت زمان دارد. صدای خروس نشان از دمیدن صبح دارد. صدای طوفان نشانه مرگ، نیستی و نابودی است. سعدی در حکایت نوزدهم باب پنجم گلستان، نمونه‌هایی جالب از پیام‌های صوتی را ارائه نموده است که به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

«امشب مگر به وقت نمی‌خواند این خروس / عشاق بس نکرده هنوز از کنار و بوس

تا نشنوی زمسجد آدینه بانگ صبح / یا از در سرای اتابک غریو کوس

لب بر لبی چو چشم خروس ابلهی بود / برداشتن به بانگ بیهوده خروس» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۴۶).

در این نمونه، سعدی سه علامت و نشانه برای خبر یافتن از پایان شب و دمیدن صبح، به کار برده است (خواندن خروس، بانگ صبح زمسجد آدینه، و غریو کوس سرای اتابک). هر سه علامت را می‌توان، پیام‌های غیرکلامی صوتی دانست که شنونده با شنیدن هریک از آن‌ها به دمیدن صبح پی می‌برد. گاه در گلستان، از صداهایی سخن به میان می‌آید که هر کدام دارای پیام غیرکلامی خاصی است. علاوه بر نمونه مذکور به صدای پرندگان و حیوانات اشاره شده که برای شاعر دریافت‌های عرفانی را به همراه دارد:

«گفت بلبلان را دیدم که به نالش در آمده بودند از درخت و کبکان در کوه و غوکان در آب و بهایم در بیشه؛ اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته» (همان: ۹۷).

سعدی در گلستان به تأثیرگذاری موسیقی و آواز در روحیات انسان اشاره کرده، موسیقی و آواز خوش را ستوده و آواز ناخوش را نکوهش کرده است: «خوش آوازی که به حنجره داودی، آب از جریان و مرغ از طیران باز دارد» (همان: ۱۲۱). این نمونه نشانگر آگاهی سعدی از تأثیرگذاری مستقیم موسیقی و آواز در روان انسان دارد. امروزه محققان حوزه موسیقی، این تأثیرگذاری عمیق را تأیید کرده‌اند. «موسیقی زبان احساسی تاریخ، فرهنگ، آیین‌ها و مراسم بشری است. به خصوص آن‌گاه که کلام و نوشتار، ناتوان بوده‌اند. در طول تاریخ، موسیقی وسیله ارتباط و بیان نیاز و القای خواست‌ها بوده است» (زاده‌محمدی، ۱۳۸۱: ۱۲). سعدی در جایی زخمه ناساز را ناخوش‌تر از آوازه مرگ پدر می‌داند و می‌گوید:

«گویي رگ جان می‌گسلد زخمه ناسازش / ناخوش‌تر از آوازه مرگ پدر آوازش» (سعدی، ۱۳۷۳: ۹۴).

همچنان که آواز خوش را قوت روح می‌داند:

«چه خوش باشد آواز نرم حزین / به گوش حریفان مست صبح. به از روی خوب است آواز خوش / که آن حظ نفس است و این قوت روح» (همان: ۱۲۱).

سعدی در حکایت چهاردهم از باب چهارم *گلستان*، فرد ناخوش آوازی را که به بانگ بلند قرآن می خواند، این گونه نکوهش می کند که:

«گر تو قرآن بدین نمط خوانی / ببری رونق مسلمانی» (همان: ۱۳۲).

سعدی در حکایات خود به نقش ارتباطات غیرکلامی اصوات توجه داشته و از آن‌ها بهره فراوان برده است.^(۶)

۲-۴- نمادها و نشانه‌ها

یکی از اهداف اشعار و نوشته‌هایی که در آن‌ها از نماد و نشانه استفاده می‌شود، علاوه بر ایجاد ارتباط بدون کلام، تأکید شاعر یا نویسنده بر موجز بودن کلام خویش است، زیرا نمادها و نشانه‌ها، بدون کلام و خیلی سریع، پیام را انتقال می‌دهند. «نشانه، سمبل عینی است و معمولاً معنای آن صریح است... مثل علائم رانندگی، آرم المپیک، صلیب، ترازوی بالای کاخ دادگستری، کلاه که در قدیم نشانه بزرگی بوده است، زنار و...» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۹۸).

از آن‌جایی که نمادها و نشانه‌ها، بدون کلام و بیان، ظرفیت انتقال پیام و احساس را دارند، در مبحث پیام‌های غیرکلامی قابل بررسی می‌باشند. در *گلستان* سعدی نمونه‌ها و مصادیقی یافت می‌شود که در قالب نماد و نشانه قابل تحلیل است. یکی از مواردی که در *گلستان* سعدی به چشم می‌خورد، اشاره به نوع پوشش و آرایش افراد است. سعدی در *گلستان* بیشتر به اهل تصوف اشاره می‌کند، هر چند سعدی تلاش دارد تا پوشش را ملاک تصوف راستین نداند. «پوشش، ارتباط برقرار می‌کند و برای آرایه دادن پیام‌های کاملاً صریح دربارهٔ هویت، موقعیت، و عضو گروهی بودن به کار برده می‌شود» (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۷۳). نوع پوشش و لباس هر انسان یا هر گروه و قشری از جامعه، در بردارندهٔ پیام‌های غیرکلامی دیداری است که به‌طور مداوم و پیوسته نقش تبادل پیام را برعهده دارد. در حکایت بیست و سوم از باب سوم، سخن از مالدار بخیلی است که پس از مرگش:

«در مصر اقارب درویش داشت، [بعد از هلاک او] به بقیهٔ مال او توانگر شدند و جامه [های] کهن به مرگ او بدریدند و خز و دمیاطی ببریدند» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۱۸).

خز و دمیاطی پارچه‌های گرانبها بوده که طبقهٔ ثروتمند می‌پوشیدند و نشانهٔ تجمل و ثروت بوده است. سعدی در جایی دیگر در ذم دلق پوشی که جزو سنن و شعار متصوفه بوده، می‌گوید:

«دلقت به چه کار آید و تسبیح و مرقع/خود را زعمل‌های نکوهیده بری دار» (سعدی، ۱۳۷۳: ۹۲).

نمونه‌های دیگر از این موارد را نیز می‌توان در *گلستان* یافت.^(۷)

سعدی در جایی دیگر پوشش را نوعی نماد غیر کلامی می‌داند:

«ظاهر حال درویشان جامه ژنده است و موی سترده» (همان: ۱۰۷).

جامه ژنده و موی سترده، نشانه اهل تصوف، و گیسوان بافته نشانه دل‌بستگی به خاندان حضرت علی(ع) بوده است؛ «به مناسبت آن که علویان در قدیم گیسو داشتند» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه گیسودار). سعدی در ذکر دغل‌بازی شیادان با بهره‌گیری از این نمادهای غیر کلامی پوششی آورده است: «شیادی گیسوان بافت که من علویم و با قافله حجاز به شهر در رفت که از حج همی‌آیم» (سعدی، ۱۳۷۳: ۸۱).

نمونه‌های دیگر از نمادهای غیر کلامی آرایش سر و صورت در گلستان: (همان: ۸۱، ۱۰۷، ۱۵۲، ۱۸۳).

در حکایت نوزدهم از باب پنجم درباره قاضی همدان که با پسری نعلبند سرخوش بود، داستان به آن‌جا می‌رسد که پادشاه از جریان، اطلاع پیدا می‌کند و برای اثبات صحت و سقم واقعه:

«سحرگاهی با تنی چند خاصان به بالین قاضی فراز آمد. شمع را دید ایستاده و شاهد نشسته و می‌ریخته و قدح شکسته و قاضی در خواب مستی، بی‌خبر از ملک هستی» (همان: ۱۴۷).

سعدی در این توصیفات، نشانه‌هایی را بدست می‌دهد که خواننده به سادگی متوجه مقصود او می‌شود و پیامش را دریافت می‌کند. نشانه‌هایی که سعدی در این بخش، ضمن توصیف موقعیت قاضی ارایه می‌کند، شواهدی است که دلالت بر فسق قاضی دارد و پادشاه این صحنه را می‌بیند و پنج نشانه را مشاهده می‌کند که عبارتند از: سحرگاه، شمع، شاهد(زیباروی)، می(شراب) و در خواب مستی بودن قاضی. این نشانه‌ها با توجه به هنجارهای اخلاقی و فرهنگی ما، دلایل روشنی بر فسق قاضی همدان است.

پادشاه با حضور در محل واقعه، عناصر و نشانه‌ها را می‌بیند و سعدی با توصیف زیبایی آن، برای خواننده تصویری روشن از موقعیت بدست می‌دهد و ذهن خواننده را به سوی نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی ارجاع می‌دهد و با ایجاد ارتباط میان ذهن خواننده و نمادها و نشانه‌های فرهنگی، ضریب اطمینان انتقال پیام خود را هرچه بیشتر افزایش می‌دهد. در حکایت مذکور، سعدی به جای این‌که فسق و گناهکاری قاضی را به‌طور ساده بیان کند، داستان را به‌گونه‌ای پیش می‌برد که همان‌طور که پادشاه با دیدن صحنه و نشانه‌ها به اصل مطلب پی می‌برد، خواننده داستان نیز مثل همان پادشاه که در بطن داستان است، پیام نویسنده را، سریع و با جزئیات دریافت می‌کند. نمونه‌های دیگر از کاربرد نمادها و نشانه‌ها در گلستان را در این صفحات می‌توان جست.^(۸)

۲-۵- طعم

طعم‌های شیرین و تلخ، با کمک حس چشایی، بدون کلام و سخن قابل دریافت می‌باشند. از این رو در حوزه ارتباطات غیرکلامی مطرح شده‌اند. در گلستان سعدی، به این طعم‌ها اشاره شده است که به بررسی نمونه‌هایی پرداخته می‌شود:

«منشین ترش از گردش ایام که صبر/ گرچه تلخ است ولیکن بر شیرین دارد» (همان: ۷۱).

واژه «صبر» در این مثال، دارای ایهام است. و در دو معنا به کار رفته است. به معنای تحمل و به معنی گیاهی از تیره سوسن‌ها که تلخ می‌باشد ولی دارای خاصیت دارویی و شفابخشی است. صبر و تحمل نیز با وجود این که کار سختی است، اما موجب می‌شود تا زحمات انسان نتیجه دهد. سعدی در جایی دیگر آورده است:

«اگر حنظل خوری از دست خوش‌خوی/ به از شیرینی از دست ترش‌روی» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۱۲).

خوش‌خویی و خوش اخلاقی، پیام تربیتی این بیت می‌باشد. حنظل میوه‌ای بسیار تلخ است. سعدی خوردن آن را از دست انسان خوش‌اخلاق بر خوردن شیرینی از دست انسان بداخلاق، ترجیح می‌دهد. در این مثال‌ها، سعدی با آوردن طعم‌های تلخ و شیرین، پیام‌های تربیتی‌اش را با مذاق انسان درآمیخته است و این باعث شده است تا این پیام‌ها به صورت مؤثرتری به مخاطب انتقال یابد. نمونه‌های دیگر از این موارد در گلستان^(۹).

۲-۶- پیام‌های نوشتاری

تا آن جایی که عنصر کلام و سخن در پیام‌هایی که از طریق نوشتار منتقل می‌شود، دخالت نداشته باشد، این پیام‌ها، غیرکلامی به حساب می‌آیند. سعدی در گلستان به پیام‌های نوشتاری اشاره نموده، معتقد است که انسان باید از پیام‌های نوشتاری پند بگیرد، اگرچه آن پیام‌ها بر دیوار نوشته شده باشد:

«مرد باید که گیرد اندر گوش/ ورنه نیشته است پند بر دیوار» (سعدی، ۱۳۷۳: ۱۴۰).

سعدی در جای دیگر به پیامی اشاره می‌کند که: «بر طلاق ایوان فریدون نیشته بود: جهان، ای برادر، نماند به کس/ دل اندر جهان آفرین بند و بس» (همان: ۵۸). اشاره سعدی به پیام‌های نوشتاری در گلستان نشانگر توجه این نویسنده بزرگ به استفاده از انواع ابزارهای ارتباطات غیرکلامی به ویژه در حوزه تربیت می‌باشد. نمونه‌های دیگر از پیام‌های غیرکلامی نوشتاری در گلستان: (همان: ۷۷/۱۶، ۷۸/۲۴، ۱۰۸/۱۷، ۱۱۰/۹، ۱۱۵/۲۰، ۱۵۶/۸، ۱۶۰/۱۰، ۱۶۵/۴، ۱۸۹/۱۰).

۲-۷- عطر و بو

یکی از عناصر مهم انتقال پیام غیرکلامی، عطر و بو می‌باشد که انسان آن را با کمک حس بویایی یا شامه درک می‌کند. «بو» می‌توان خوش یا ناخوش باشد. هرآنچه انسان با کمک حس بویایی خود درک می‌کند، دریافت پیام‌هایی بدون کلام است. سعدی در *گلستان*، چندین مرتبه از عطر و بو، سخن به میان می‌آورد:

«مشک آن است که ببوید نه آن که عطار بگوید» (همان: ۱۸۰).

در این عبارت کنایی، چه در معنی نزدیک و چه در معنی دور آن، پیام‌های غیرکلامی نهفته است. پیام اصالت و ارزشمندی مشک، از طریق بوی آن به خریدار به صورت غیرکلامی منتقل می‌شود و نیاز به این نیست که عطار، از طریق سخن و بیان، اصالت و ارزشمندی مشک را بیان کند. اگر معنی دور این ضرب‌المثل کنایی را در نظر بگیریم، متوجه می‌شویم که منظور از کلمه «مشک»، می‌تواند هر چیزی دیگری غیر از آن، حتی «انسان» باشد. سعدی معتقد است که هر چیزی خودش بیانگر اصالت و ارزش خود است.

در *گلستان*، مسئله عطر و بو، به خوش‌بویی و بد بویی محدود نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر این، پیام‌های دیگری نیز مدنظر می‌باشد. در حکایت نهم از باب دوم، اشاره سعدی را به داستان حضرت یوسف (ع) می‌خوانیم که حضرت یعقوب (ع)، با بوی پیراهن یوسف (ع)، بینایی خود را به دست آورده، از زنده بودن فرزند خود نیز اطمینان حاصل کرد:

«یکی پرسید از آن گمگشته فرزند/ که ای روشن گهر پیر خردمند. زمصرش بوی پیراهن شنیدی/ ولی در چاه کنعانش ندیدی» (همان: ۹۰).

«پس از آن که بشیر بشارت یوسف را آورد و پیراهن او را به رخسارش افکند، دیده انتظارش به وصل روشن شد و گفت: به شما نگفتم که به لطف خدا به چیزی از اسرار غیب آگاهم که شما آگاه نیستید؟» (یوسف: ۹۶). هدف حضرت یوسف (ع) از فرستادن پیراهنش توسط برادران، برای پدرش، ارسال و فرستادن پیام غیرکلامی بود که پدر از زنده بودنش اطمینان حاصل کند و حضرت یعقوب (ع) با بوییدن پیراهن فرزند، این پیام را دریافت کرد و ضمن آگاهی از زنده بودن فرزندش، بینایی‌اش را نیز بدست آورد. آن چه در این ارتباط وجود دارد، پیام غیرکلامی است.

شواهد دیگر از کاربرد عطر و بو در *گلستان*: (سعدی، ۱۳۷۳: ۵۰/۲۱، ۵۱/۱۷، ۷۳/۱۹، ۸۴/۱۵، ۸۴/۱۸، ۸۵/۷، ۹۰/۱۱، ۱۱۸/۱، ۱۵۱/۹، ۱۷۹/۱۸، ۱۸۰/۶).

۳- نتیجه

در این مقاله انواع عناصر ارتباطی غیرکلامی در گلستان سعدی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که ارتباطات غیرکلامی در حکایات گلستان، مکمل ارتباطات کلامی‌اند و در جهت تقویت آن‌ها به کار رفته‌اند. سعدی، صدای رفتار انسان را در امر تعلیم و تربیت، بلندتر و مؤثرتر از صدای گفتارش می‌داند. تنوع ابزارهای غیرکلامی به کار گرفته شده در گلستان، نشان‌دهنده آگاهی سعدی، از نقش و قدرت این نوع از ارتباطات در حوزه تعلیم و تربیت می‌باشد. لذا از این امکان، در انتقال مقاصد تربیتی و اخلاقی خویش به مخاطب استفاده نموده است. بیشترین بخش این نوع ارتباطات غیرکلامی در گلستان، شامل انواع: رفتاری و نمادها و نشانه‌ها است. ارتباطات غیرکلامی در گلستان، علاوه بر تأثیر گذاری بر مخاطب، به نویسنده این امکان را داده تا پیام‌های خود را به صورت موجز ولی مؤثر انتقال دهد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برخی دیگر از نمونه‌های کاربرد ارتباطات غیر کلامی رفتاری در گلستان عبارت است از: (سعدی، ۱۳۷۳: ۵۰/۸، ۵۰/۱۸، ۶۰/۱۷۸، ۷۱/۱۶، ۸۲/۱۳، ۸۳/۱۱، ۸۴/۲۲، ۹۰/۷، ۹۰/۹، ۹۰/۲۴، ۹۰/۲/۱۶، ۱۱۰/۱۹، ۱۵۵/۴، ۱۶۰/۲، ۱۶۷/۴).
- ۲- (همان، ۱۳۷۳: ۵۸/۱۳، ۶۱/۱۸، ۷۱/۸، ۷۱/۲۴، ۸۰/۴، ۹۹/۱۸، ۱۱۲/۲۱، ۱۱۳/۲۶۱۴، ۱۴۰/۱۲، ۱۴۵/۱۰، ۱۵۵/۲۱).
- ۳- (همان، ۱۳۷۳: ۵۶/۲، ۶۳/۵، ۸۱/۳، ۱۲۱/۲، ۱۲۱/۲، ۱۲۱/۳، ۱۳۵/۲۳، ۱۳۸/۳، ۱۴۱/۴، ۱۵۱/۹، ۱۶۵/۲۳).
- ۴- (همان، ۱۳۷۳: ۵۲/۱۳، ۶۴/۲۵، ۷۶/۴، ۸۰/۲۱، ۹۶/۸، ۱۰۸/۲، ۱۱۳/۲۲، ۱۲۴/۱۹، ۱۳۵/۷، ۱۴۳/۵، ۱۵۲/۱۷).
- ۵- نمونه‌های دیگر: (همان: ۵۹/۲۴، ۷۶/۱۸، ۸۱/۲۶، ۸۲/۲۵، ۱۰۲/۱۹، ۱۰۳/۱۱، ۱۳۰/۲۵، ۱۴۷/۷).
- ۶- شواهد دیگر از این موارد (همان: ۵۲/۱، ۶۶/۳، ۹۷/۹، ۹۸/۲، ۱۲۱/۱۵، ۱۲۱/۱۸، ۱۳۲/۱۰، ۱۳۸/۳، ۱۷۴/۲۰).
- ۷- نمونه‌های دیگر: همان: ۶۰/۱۲، ۷۱/۲، ۷۱/۱۸، ۸۰/۴، ۸۶/۷، ۸۸/۱۰، ۹۴/۲۲، ۹۵/۱، ۹۸/۷، ۱۰۵/۴، ۱۰۷/۱۳، ۱۱۸/۱۱، ۱۱۹/۸، ۱۴۳/۳، ۱۵۸/۱۹، ۱۶۲/۲۴، ۱۸۴/۱۳، ۱۸۹/۷).
- ۸- (همان: ۴۹/۳، ۵۲/۲۳، ۵۹/۱۷، ۶۹/۹، ۷۲/۲۷، ۷۶/۲۶، ۸۳/۱۰، ۹۲/۱۸، ۹۲/۱۴، ۹۳/۷، ۱۰۱/۸، ۱۰۲/۲، ۱۰۷/۲۵، ۱۱۹/۸، ۱۴۷/۲، ۱۵۹/۲، ۱۶۱/۱۴، ۱۶۶/۲۶، ۱۶۹، ۱۷۴/۹، ۱۷۴/۱۳، ۱۸۹/۷).
- ۹- (سعدی، ۱۳۷۳: ۵۱/۸، ۶۸/۱۵، ۷۷/۶، ۸۱/۳، ۱۰۱/۲۵، ۱۰۶/۱، ۱۱۲/۲۷، ۱۴۰/۱۲، ۱۴۵/۱۴، ۱۹۰/۳).

منابع

- قرآن کریم

- باقری خلیلی، علی اکبر، و زلیکانی، مرضیه، (۱۳۹۴)، «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی»، متن پژوهی ادبی، ش ۶۵، صص ۷۹-۹۹.
- برکو، ری ام؛ اندرو دی، ولوین؛ و دارلین آر، ولوین، (۱۳۸۶)، مدیریت ارتباطات (فردی و عمومی)، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- بهرامی کمیل، نظام، (۱۳۸۸)، نظریه رسانه ها (جامعه شناسی ارتباطات)، چ ۱، تهران: کویر.
- جعفری، سید ابراهیم، (۱۳۹۲)، «تحلیل ارتباط غیرکلامی در داستان سمک عیار»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- جمشیدی، زهرا، (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل رفتارهای غیرکلامی در آثار داستانی هوشنگ گلشیری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه.
- حاجتی، سمیه، (۱۳۸۹)، «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در داستان های مصطفی مستور»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- دانشگر، محمد، (۱۳۸۶)، «نقش ارتباطات غیرکلامی در داستان پردازی مولانا»، فصلنامه پژوهش های ادبی، شماره ۱۶، صص: ۱۱۵-۱۳۶، ۱۳۸۶.
- دانشور، سیمین، (۱۳۷۵)، شناخت و تحسین هنر، چ ۱، تهران: کتاب سیامک.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه، ج ۱۲، تهران، دانشگاه تهران.
- راپاپورت، آموس، (۱۳۸۴)، معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرخ حبیب، چ ۱، تهران: پردازش و برنامه ریزی شهری.
- رضی، احمد و حاجتی، سمیه، (۱۳۹۰ الف)، «رمز گشایی از رفتارهای غیرکلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس»، پژوهش نامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، س ۵، ش ۲، صص: ۶۵-۸۸.
- رضی، احمد و حاجتی، سمیه، (۱۳۹۰ ب)، «تحلیل نشانه های ارتباطات غیرکلامی در داستان دو دوست»، مطالعات ادبیات کودک، ش ۳، صص ۹۱-۱۱۴.
- ریچموند، ویرجینیا، و مک کروسکی، جیمز سی، (۱۳۸۸)، رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی، ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلا عبدالله پور، تهران: دانژه.
- زاده محمدی، علی، (۱۳۸۱)، کاربردهای موسیقی درمانی، چ ۱، تهران: اسرار دانش.

- سعدی، مصلح‌الدین، (۱۳۷۳)، *گلستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چ ۳، تهران: خوارزمی.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۲)، *بیان*، چ ۳، تهران: فردوس.
- فرگاس، جوزف. پی، (۱۳۷۹)، روانشناسی تعامل اجتماعی، رفتار میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: ابجد.
- فرهنگ، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، *ارتباطات انسانی*؛ ج ۱، تهران: تایمز.
- فرهنگ، علی‌اکبر، (۱۳۷۵)، *ارتباطات غیر کلامی*، چ ۱، میبد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فرهنگ، علی‌اکبر، و فرجی، حسین، (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹)، «زبان بدن از نگاه مولانا در مثنوی معنوی»، *فرهنگ و ادب*، ج ۲، ش ۹، صص ۴۲۹-۴۶۲.
- کاتلر، جفری، (۱۳۸۰)، *زبان اشک‌ها (نگاهی روانشناختی به گریستن)*، ترجمه طاهره جواهرساز، چ ۱، تهران: جوانه رشد.
- کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۸۰)، *الگوی نمادین و غیرکلامی در تعلیم و تربیت نامریی*، چ ۱، تهران: منادی تربیت.
- کول، کریس، (۱۳۸۳)، *موفقیت در ارتباطات*، ترجمه وجیهه ابراهیمی، ج ۱، چ ۱، اصفهان: طرح جامع پارسیان.
- مشرف، مریم، (۱۳۸۹)، *جستارهایی در ادب تعلیمی ایران*، چ ۱، تهران: سخن و دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی، محمدهادی، (۱۳۷۸)، *روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان*، چ ۱، تهران: سروش.
- نیکدار اصل، محمدحسین، و احمدیانی‌پی، محمدهادی، (۱۳۹۵)، «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی»، *مجله شعر پژوهی (بوستان ادب)*، س ۸، ش ۱، صص ۱۸۱-۲۱۰.
- وود، جولیا، (۱۳۸۴)، *ارتباطات میان فردی (روانشناسی تعامل اجتماعی)*؛ ترجمه مهرداد فیروزبخت، چ ۲، تهران: سهر کتاب و مهتاب.

-Windle, Rod & Warren, Suzanne (2011). "Communica Srills":
<http://www.directionservice.Org/cadre/section.cofom>

Segal, Jeanne (2011) *The Language of Emotional Intelligence*.
Amazon.com.